



## خبر متواتر

خبر متواتر، خبر نقل شده توسط راویان متعدّد در هر طبقه، به تعداد قطع آور است.

### فهرست مندرجات

- ۱ - تعریف
- ۲ - حجت بودن نزد مذاهب اسلامی
- ۳ - نکته اول
- ۴ - نکته دوم
- ۵ - تواتر در لغت و اصطلاح
  - ۵.۱ - تعریف علامه سید محمد مجاهد
  - ۵.۲ - تعریف فاضل جواد
  - ۵.۳ - تعریف شیخ حسن عاملی
  - ۵.۴ - تعریف شیخ بهایی
  - ۵.۵ - تعریف دیگر
- ۶ - شرایط خبر متواتر
- ۷ - عدد تواتر
- ۸ - اقسام تواتر
- ۹ - پانویس
- ۱۰ - منبع

### تعریف

خبر متواتر، روایتی است که به تنهایی (بدون وساطت عقل و بدون خبر دادن صادق امین به صدق آن) افاده سکون و اطمینان خاطر می‌نماید و این سکون خاطر برخاسته از نقل راویان متعددی (در همه طبقات) است که تبانی و همدستی آنان بر جعل خبر و دروغ پردازی عادتاً محال می‌باشد، مثل علم به وجود شهر مکه، برای کسی که تاکنون به آن شهر نرفته است، در صورتی که چنین علمی ناشی از خبر دادن افراد زیادی باشد که به آنجا رفته و از وجود چنین شهری خبر آورده‌اند.

### حجت بودن نزد مذاهب اسلامی

خبر متواتر نزد همه گروه‌ها و مذاهب اسلامی، به جز شمار اندکی از آنها، حجت است، زیرا قطع آور بوده و حجیت قطع، ذاتی آن است. از جمله اخبار متواتر، حدیث غدیر و خبر تقابین است.

### نکته اول

در این که تعداد راویان در هر طبقه باید چند نفر باشد تا به خبری «متواتر» گفته شود، یا به عبارتی، در این که ضابطه و معیار تواتر چیست اختلاف وجود دارد؛ بعضی این تعداد را پنج نفر و برخی تا پانصد نفر هم ذکر کرده‌اند؛ ولی مشهور آن است که تعداد خاصی ملاک نیست، بلکه بستگی دارد به این که چه زمانی قطع به وجود می‌آید؛ در بعضی اوقات با نقل پنج نفر قطع پدید می‌آید و گاهی با نقل صد نفر هم قطع به وجود نمی‌آید؛ بنابراین، می‌توان گفت که معیار در تواتر، کثرت عدی راویان است، اما تعداد مشخصی تعیین نشده و بستگی به عوامل مختلف دارد.

[۱] دروس فی علم الاصول، صدر، محمد باقر، ص (۱۳۹-۱۳۸).

### نکته دوم

در این که خبر متواتر افاده **یقین استنباطی** می‌کند یا **استقرایی**، اختلاف است.

[۱] **دروس فی علم الاصول**، رصندر، محمد باقر، ج ۲، ص (۱۳۸-۱۳۵).

[۲] **اصول الفقه**، مظفر، محمد رضا، ج ۲، ص ۶۸.

[۳] **تحریر المعالم**، مشکینی، علی، ص ۱۶۰.

[۴] **مبانی استنباط حقوق اسلامی** یا **اصول فقه**، محمدی، ابوالحسن، ص ۱۶۳.

[۵] **معارج الاصول**، محقق حلّی، جعفر بن حسن، ص ۱۳۸.

[۶] **معارج الاصول**، محقق حلّی، جعفر بن حسن، ص ۱۳۹.

[۷] **الاصول العامة للفقه المقارن**، طباطبائی حکیم، محمد تقی، ص ۱۹۴.

[۸] **مبانی اصول الفقه**، فضلّی، عبد الهادی، ص ۲۷.

[۹] **مفاتیح الاصول**، مجاهد، محمد بن علی، ص ۳۴۱.

[۱۰] **المحکم فی اصول الفقه**، حکیم، محمد سعید، ج ۳، ص ۲۰۶.

[۱۱] **شرح اصول فقه**، محمدی، علی، ج ۳، ص ۱۳۲.

[۱۲] **اصول فقه**، رشاد، محمد، ص ۲۰۴.

[۱۳] **اصول الفقه**، ابو زهره، محمد، ص ۹۹.

[۱۴] **دروس فی علم الاصول**، صدر، محمد باقر، ج ۱، ص ۲۷۰.

[۱۵] **بحوث فی علم الاصول**، صدر، محمد باقر، ج ۴، ص ۳۲۷.

[۱۶] **مبانی الوصول الی علم الاصول**، علامه حلّی، حسن بن یوسف، ص ۱۹۹.

[۱۷] **فرهنگ معارف اسلامی**، سجادی، جعفر، ج ۲، ص ۳۲۹.

[۱۸] **اصول الفقه**، زهیر المالکی، محمد ابوالنور، ج ۳، ص ۱۲۵.

[۱۹] **مقالات اصولی**، موسوی بجنوردی، محمد، ص ۲۸.

[۲۰] **نهایة الاصول**، بروجردی، حسین، ص ۴۸۶.

[۲۱] **منابع اجتهاد (از دیدگاه مذاهب اسلامی)**، جناتی، محمد ابراهیم، ص ۱۰۳.

[۲۲] **منتهی الدرایة فی توضیح الکفایة**، جزایری، محمدجعفر، ج ۴، ص ۴۰۴.

[۲۳] **مبانی فقه و اصول**، فیض، علیرضا، ص ۳۲.

[۲۴] **المعجم الاصولی**، حیدر، محمد صنقر علی، ص ۵۶۳.

## تواتر در لغت و اصطلاح

**طبرسی** در **مجمع البیان** از قول ابوعلی فارسی نوشته است: «متواتر این است که **خبر** ی به دنبال **خبر** دیگر بیاید و همین‌طور کتابی به دنبال کتابی دیگر و بین آن‌ها فاصله زیادی نباشد».

[۲۵] **مجمع البیان**، طبرسی، فضل بن حسن؛ ج ۹، ص ۱۳۸.

[۲۶] **مجمع البیان**، طبرسی، فضل بن حسن؛ ج ۷، ص ۱۷۱.

[۲۷] **جوامع الجامع**، شیخ طبرسی ج ۳، ص ۷۳.

علمای اصول نیز از معنای تواتر بحث کرده‌اند.

## ← تعریف علامه سید محمد مجاهد

علامه **سید محمد مجاهد** (در **مفاتیح الاصول** نوشته است: به گفته **علامه حلّی** در **نهایة الاصول**، تواتر در لغت به معنای آمدن یکی پس از دیگری با فاصله است؛ چنان که **خداوند متعال** فرمود: «ثم ارسلنا رسلنا تترا...»

[۲۸] **مؤنون/سوره ۲۳، آیه ۴۴**.

؛ یعنی رسولی پس از رسولی فرستادیم، که بین آن‌ها فاصله بوده است.

در اصطلاح علما نیز تواتر عبارت از توارد اخبار به گوش و **خبر** بعد از **خبر** است، البته به شرط تعدد و تکرار اخبار، به اندازه‌ای که به گفتار آنان قطع پیدا شود. سید عمیدالدین (متوفای ۷۵۴ ه. ق) نیز در شرح کتب اصولی خود به نام منیه تعریف **علامه حلّی** در نهایه را آورده است.

[۲۹] **مفاتیح الاصول**، مجاهد، سید محمد؛ ص ۴۲۸.

## ← تعریف فضل جواد

فاضل جواد (زنده در ۱۰۴۴ ه. ق.) در غایه المأمول نیز می‌نویسد: «تواتر در لغت، در پی آمدن اشیا، یکی پس از دیگری با مهلت و فترت و تتابع بین آن‌ها است. و فاضل مقداد (متوفای ۸۲۶ ه. ق.) نیز بر همین عقیده است.

[۳۰] **مفاتیح الاصول**، مجاهد، سید محمد؛ ص ۴۲۹.

[۳۱] **المحصل**، فخر رازی، محمد بن عمر؛ ج ۲، ص ۱۰۸.

[۳۲] **الاصول العامة للفقه المقارن**، حکیم، محمد تقی؛ ص ۱۱۳.

[۳۳] **الاصول العامة للفقه المقارن**، حکیم، محمد تقی؛ ص ۱۸۸.

## ← تعریف شیخ حسن عاملی

**شیخ حسن عاملی** نگارنده معالم الدین در بیان معنای اصطلاحی خبر متواتر می‌نویسد: «... فالمتواتر هو خبر جماعه یفید بنفسه العلم بصدقہ و لاریب فی امکانه و وقوعه» [۲۵] معالم الاصول، عاملی، حسن؛ ص ۱۸۳.

## ← تعریف شیخ بهایی

**شیخ بهایی** در الوجیزه نوشته: «فان بلغت سلاسله فی کل طبقه حداً یؤمن معه توأطنهم علی الکتب فمتواتر» (اگر افراد و سلسله خبر در هر طبقه‌ای به اندازه‌ای برسد، که از توافق آنان بر دروغ، ایمن شود، چنین خبری متواتر است.)

وی، در جای دیگری خبر متواتر را چنین تعریف می‌کند: «انه خبر جماعه یفید بنفسه القطع بصدقہ»

[۲۶] **نهایه الدرایه، صدر، حسن؛ ص ۹۷.**

(متواتر خبر گروهی است، که به خودی خود، قطع به درستی آن حاصل می‌شود.)

فاضل جواد (زنده در ۱۰۴۴ ه. ق.) نیز در کتب غایه المأمول تعریف استلا خویش، یعنی شیخ بهایی را می‌پسندد، و محقق قمی (متوفای ۱۲۳۲ ه. ق.) نیز در قوانین الاصول همین رأی را می‌پذیرد.

[۲۷] **قوانین الاصول، قتی، میرزا ابولقاسم؛ ج ۱، ص ۴۲۰.**

## ← تعریف دیگر

بعضی دیگر در تعریف خبر متواتر چنین آورده‌اند: «انه خبر جماعه یؤمن توأطنهم علی الکتب عاده و ان کن للوازم الخبر دخلٌ فی إفاده تلك اکثره، العلم»

[۲۸] **قوانین الاصول، قتی، میرزا ابولقاسم؛ ج ۱، ص ۴۲۱.**

(متواتر، خبر گروهی است، که به طور معمول توطی و توافق آنان بر دروغ بعید است؛ گرچه در این که کثرت مفید علم باشد، لوازم خبر نیز دخالت دارد.)

## شرایط خبر متواتر

خبر متواتر دارای شرایطی است:

۱. عدد خبر دهندگان به اندازه‌ای باشد، که توافق آن‌ها بر دروغ امکان نداشته باشد.
۲. تمام طبقات خبر دهندگان از اول **سند** تا آخر **سند** به حدی باشند، که **عدد تواتر** محقق شود.
۳. خبر آن‌ها از روی **حسن** باشد؛ نه آن که از روی **حسن**، خبری را بیان کنند.

[۲۹] **مبادئ الوصول الی علم الاصول، حلی، حسن بن یوسف؛ ص ۲۰۰.**

[۳۰] **بحوث فی علم الاصول، صدر، محمد باقر؛ ج ۴، ص ۳۲۸.**

[۳۱] **قوانین الاصول، قتی، میرزا ابولقاسم؛ ج ۱، ص ۴۲۲.**

[۳۲] **الدرایه، علامه، سید محمد ضیاء؛ ص ۵۰.**

[۳۳] **جامع الاصول، جزری، مبارک بن محمد؛ ج ۱، ص ۶۶.**

[۳۴] **معالم الاصول، عاملی، حسن؛ ص ۱۸۶.**

[۳۵] **مقبس الهدایه، مامقانی، عبدالله؛ ج ۱، ص ۱۰۵.**

## عدد تواتر

آیا در تواتر عدد خاصی شرط است یا نه؟  
برای توضیح مقاله **عدد تواتر** مطالعه شود.

## اقسام تواتر

تواتر سه قسم دارد:

۱. **تواتر لفظی**

۲. **تواتر معنوی**

۳. **تواتر اجمالی**

## پانویس

۱. ↑ **دروس فی علم الاصول، صدر، محمد باقر، ص (۱۳۹-۱۳۸).**

۲. [↑ دروس فی علم الاصول، رصدر، محمد باقر، ج ۲، ص \(۱۳۸-۱۳۵\).](#)
۳. [↑ اصول الفقه، مظفر، محمد رضا، ج ۲، ص ۶۸.](#)
۴. [↑ تحرير المعالم، مشکيني، علي، ص ۱۶۰.](#)
۵. [↑ مبادئ استنباط حقوق اسلامي يا اصول فقه، محمدي، ابوالحسن، ص ۱۶۳.](#)
۶. [↑ معارج الاصول، محقق حلي، جعفر بن حسن، ص ۱۳۸.](#)
۷. [↑ معارج الاصول، محقق حلي، جعفر بن حسن، ص ۱۳۹.](#)
۸. [↑ الاصول العامة للفقه المقارن، طباطبائي حكيم، محمد تقی، ص ۱۹۴.](#)
۹. [↑ مبادئ اصول الفقه، فضلي، عبد الهادي، ص ۲۷.](#)
۱۰. [↑ مفاتيح الاصول، مجاهد، محمد بن علي، ص ۳۴۱.](#)
۱۱. [↑ المحكم في اصول الفقه، حكيم، محمد سعيد، ج ۳، ص ۲۰۶.](#)
۱۲. [↑ شرح اصول فقه، محمدي، علي، ج ۳، ص ۱۳۲.](#)
۱۳. [↑ اصول فقه، رشاد، محمد، ص ۲۰۴.](#)
۱۴. [↑ اصول الفقه، ابو زهره، محمد، ص ۹۹.](#)
۱۵. [↑ دروس في علم الاصول، صدر، محمد باقر، ج ۱، ص ۲۷۰.](#)
۱۶. [↑ بحوث في علم الاصول، صدر، محمد باقر، ج ۴، ص ۳۲۷.](#)
۱۷. [↑ مبادئ الوصول الي علم الاصول، علامه حلي، حسن بن يوسف، ص ۱۹۹.](#)
۱۸. [↑ فرهنگ معارف اسلامي، سجادي، جعفر، ج ۲، ص ۳۲۹.](#)
۱۹. [↑ اصول الفقه، زهير المالكي، محمد ابو النور، ج ۳، ص ۱۲۵.](#)
۲۰. [↑ مقالات اصولي، موسوي بجنوردي، محمد، ص ۲۸.](#)
۲۱. [↑ نهاية الاصول، بروجردي، حسين، ص ۴۸۶.](#)
۲۲. [↑ منابع اجتهاد \(از ديگاه مذاهب اسلامي\)، جناتي، محمد ابراهيم، ص ۱۰۳.](#)
۲۳. [↑ منتبهى الدراية في توضيح الكفاية، جزايري، محمد جعفر، ج ۴، ص ۴۰۴.](#)
۲۴. [↑ مبادئ فقه و اصول، فيض، علي رضا، ص ۳۲.](#)
۲۵. [↑ المعجم الاصولي، حيدر، محمد صنقور، علي، ص ۵۶۳.](#)
۲۶. [↑ مجمع البيان، طبرسي، فضل بن حسن؛ ج ۹، ص ۱۳۸.](#)
۲۷. [↑ مجمع البيان، طبرسي، فضل بن حسن؛ ج ۷، ص ۱۷۱.](#)
۲۸. [↑ جوامع الجامع، شيخ طبرسي ج ۳، ص ۷۳.](#)
۲۹. [↑ مؤمنون/ سوره ۲۳، آيه ۴۴.](#)
۳۰. [↑ مفاتيح الاصول، مجاهد، سيد محمد؛ ص ۴۲۸.](#)
۳۱. [↑ مفاتيح الاصول، مجاهد، سيد محمد؛ ص ۴۲۹.](#)
۳۲. [↑ المحصول، فخر رازي، محمد بن عمر؛ ج ۲، ص ۱۰۸.](#)
۳۳. [↑ الاصول العلميه للفقه المقارن، حكيم، محمد تقی؛ ص ۱۱۳.](#)
۳۴. [↑ الاصول العامة للفقه المقارن، حكيم، محمد تقی؛ ص ۱۸۸.](#)
۳۵. [↑ معالم الاصول، عاملي، حسن؛ ص ۱۸۳.](#)
۳۶. [↑ نهايه الدرايه، صدر، حسن؛ ص ۹۷.](#)
۳۷. [↑ قوانين الاصول، قتي، ميرزا ابولقاسم؛ ج ۱، ص ۴۲۰.](#)
۳۸. [↑ قوانين الاصول، قتي، ميرزا ابولقاسم؛ ج ۱، ص ۴۲۱.](#)
۳۹. [↑ مبادئ الوصول الي علم الاصول، حلي، حسن بن يوسف؛ ص ۲۰۰.](#)
۴۰. [↑ بحوث في علم الاصول، صدر، محمد باقر؛ ج ۴، ص ۳۲۸.](#)
۴۱. [↑ قوانين الاصول، قتي، ميرزا ابولقاسم؛ ج ۱، ص ۴۲۲.](#)
۴۲. [↑ الدرايه، علامه، سيد محمد ضياء؛ ص ۵۰.](#)
۴۳. [↑ جامع الاصول، جزري، مبارك بن محمد؛ ج ۱، ص ۶۶.](#)
۴۴. [↑ معالم الاصول، عاملي، حسن؛ ص ۱۸۶.](#)
۴۵. [↑ مقبل الهدايه، مامقاني، عبدالله؛ ج ۱، ص ۱۰۵.](#)

## منبع

فرهنگنامه اصول فقه، تدوين توسط مركز اطلاعات و مدارك اسلامي، ص ۴۴۲، برگرفته از مقاله «خير متواتر» سايت انديشه قم.